

چای خانه بوستان ملت که در آشوب های دی ماه سوخت، دوباره پا گرفت

چراغ روشن خیمه اباعبدا... (ع)

شده بود. این چای خانه هم مایه دل خوشی ورزشکاران و رهگذران بود. چون در این فضا چای می نوشیدند و استراحت می کردند. در این مدت که مشغول بازسازی بودیم، افراد زیادی می آمدند و اوضاع را می دیدند و بانیان این خرابی ها را لعن و نفرین می کردند. البته خیلی ها هم بودند که می آمدند و می گفتند اگر کمکی از ما برمی آید، در خدمتیم. برخی هم درخواست مشارکت مالی برای بازسازی داشتند.

● پای کار امام حسین (ع) هستیم

مشارکت اعضای هیئت منتظران موعود (عج) و دیگر اهالی دغدغه مند منطقه در روزهای اخیر نتیجه بخش بود و فضای چای خانه بازسازی شد تا در ماه مبارک رمضان و پس از افطار پذیرای مردم باشد. رضا کهن که در امر بازسازی مشارکت کرده است، می گوید: خوشبختانه قسمت های سنگی یا فلزی آسیب ندیده بود و بیشترین آسیب به دیواره ها و سقف وارد شده بود که البته توانستیم بازسازی کنیم. این شهروند می گوید: تقریباً همه کارهای بازسازی از جمله امور تخصصی مثل سیم کشی و لوله کشی و نصب چادر را فعالان محلی و اعضای هیئت انجام دادند. در نیمه شعبان، اولین مراسم رادرفضایی نصفه و نیمه برگزار کردیم، اما برای ماه مبارک رمضان کار بازسازی تکمیل شد. همه تلاش ما این بوده است که چراغ خیمه اباعبدا...الحسین (ع) روشن باشد. خدای نکرده اگر باز هم اتفاقی بیفتد، ما برای بالا نگه داشتن این پرچم و بساط امام حسین (ع) پای کار هستیم.

می گرفت تا در مناسبت های مختلف و شب های جمعه با توزیع اقلام نذری و پذیرایی به ورزشکاران، خانواده ها و رهگذران بوستان ملت خدمت کنند.

● بچه های مسجدی، خادمان اباعبدا... (ع)

هیئت منتظران موعود (عج) یکی از گروه های پای کار چای خانه در این مدت بودند و به محض اطلاع از وضعیت آن، برای بازسازی پای کار آمدند. علی نجفی، از اعضای این هیئت، می گوید: بچه های خادم همه از بین نوجوانان و جوانان مسجد حضرت رقیه (س) هستند و در ایام محرم و صفر ۴۴ شب در این خیمه خدمت کردند. پس از آن هم سی شب جمعه پذیرای شهروندان بودیم.

او ادامه می دهد: آشوبگران و اعدا در آن دو شب راهی جد از اعتراض رفتند و بیشتر به فضاهایی آسیب زدند که برای خدمت به مردم بنا

بهشتی ابعد از سی شب جمعه که به پذیرایی شهروندان در چای خانه اباعبدا... (ع) سپری شد، بخشی از این محفل صمیمی و زیبا در آتش آشوب های دی ماه سوخت و مجموعه ای که حدود یک سال پیش به کوشش شهرداری منطقه ۱۱ پا گرفته بود، به تعطیلی کشانده شد.

خادمان اهل بیت (ع) در منطقه ۱۱، بسته شدن در این چای خانه را تاب نیاوردند و از همان روزهای اول در صدد بازسازی و بازگشایی آن برآمدند تا دوباره چراغ خیمه دائمی اباعبدا... (ع) روشن و امکان پذیرایی از ورزشکاران و خانواده ها در بوستان قدیمی ملت مهیا شود.

● بخشی از چای خانه در ۲ شب سوخت

در هر دو روز حوادث مشهد، طی هجدهم و نوزدهم دی ماه ۱۴۰۴، بخشی از چای خانه بوستان ملت در آتش آشوبگران سوخت. یکی از شاهدان عینی نقل می کند: شب اول دو نفر که هیچ چیزی از صورتشان دیده نمی شد، به سمت چای خانه رفتند. مایعی را که نمی دانم بنزین بود یا نفت، ریختند و بعد هم فندک زدند و رفتند. من فقط دیدم چادر سقف شعله گرفت. اتفاقی مشابه این، در شب دوم هم تکرار می شود و حدود سی درصد از فضای چای خانه زیبای اباعبدا...الحسین (ع) پارک ملت این گونه در آتش می سوزد. این فضای عمومی که تابستان پارسال به بهره برداری رسید، طبق درخواست و به نوبت در اختیار هیئت های مذهبی، جمعیت های مردمی، گروه های ورزشی و مساجد قرار



نوجوان اهل فن محله چهاربرج، با ۴۰ کیلوگرم کاهش وزن
قهرمان بوکس استان است

موفقیت با فرمول اراده

● قبل و بعد از کاهش وزن چه مقام هایی کسب کردی؟

تا سال ۱۴۰۲ در رده نوجوانان دوبار قهرمان سنگین وزن بوکس استان شدم و بعد از آن در رده جوانان دوبار قهرمان وزن هشتاد کیلوگرم استان شدم. هفته بعد هم در مسابقات انتخابی تیم ملی جوانان برای رقابت های آسیایی ژاپن شرکت می کنم.

● برای درس و ورزش چقدر وقت می گذاری؟

خیلی درگیر درس نیستم، بیشتر تمرین بوکس می کنم و در مکانیکی پدرم کار می کنم.

● در این کار حرفه ای شده ای؟

بله می توانم باز کردن و بستن ماشین را خودم تنها انجام دهم.

● پس درآمد مستقل خود را داری؟

همه هزینه های باشگاه و تمرین و دوره هایم را خودم پرداخت می کنم و خیلی خوشحالم که در این شرایط سر بار پدر و مادرم نیستم.

● برای خودت مشخص کرده ای که در نهایت مکانیکی را ادامه بدهی یا بوکس؟

دوست دارم بوکس را تا مقام آوردن آسیایی، جهانی و المپیک ادامه بدهم. مکانیکی هم تخصصی هست که فکر نمی کنم هیچ وقت از من جدا باشد، چون منبع درآمد و یک کار فنی کاربردی برای من است.



● با شرایط وزنی که تو داشتی، کسی با رفتنت به سمت بوکس مخالفت هم می کرد؟

بهتر است بگویم تقریباً هیچ کسی حمایت نمی کرد. من هم گفتم حالا که این طور است باید نشان می دهم خواستن توانستن است.

● در این مسیر خسته هم شدی؟

من برای وزن کم کردن روزی پنج ساعت تمرین سخت داشتم و مصرف نان و برنج هم صفر شده بود. با این شرایط واقعا ادامه دادن سخت بود ولی کم نیاوردم.



زهرا زنگنه افسری که امروز به عنوان قهرمان بوکس استان به گفت و گو با ما نشست است، تفاوت زیادی با دوسال قبلش دارد. او نوجوانی شانزده ساله است که قبل از بزرگسالی به واژه اراده معنا بخشیده است. علیرضا شافعی امروز، چهل کیلوگرم سبک تر از وزنی است که در تابستان ۱۴۰۲ داشته است! به این واسطه است که وقتی مربی اش محمد سرباز، او را به عنوان نوجوان موفق محله چهاربرج به ما معرفی می کند، می گوید: «جنس قهرمانی او با خیلی ها فرق می کند. او واقعا برای موفقیت جنگیده است!»

● در باشگاه همه از وزن کم کردن عجیب می گویند. الان چند کیلویی و چند کیلو کم کرده ای؟

حدود دو سال قبل، ۱۲۰ کیلو بودم و در نصف سال، چهل کیلو کم کردم. الان همان هشتاد کیلو را حفظ کرده ام.

● چرا این میزان وزن کم کردی؟

وزن قبلی من در رشته بوکس، مثبت سنگین وزن بود که در رقابت های المپیک آسیایی و جهانی، این وزن رقابت ندارد. می خواستم به وزن ۷۵ تا ۸۰ برسم تا شانس مدال بیشتری داشته باشم.

● با این شرایط چرا از اول رفتی سراغ بوکس؟

من به رشته های رزمی خیلی علاقه داشتم و از پنج سال قبل بوکس را شروع کردم و باید تلاش کنم که در این رشته بهترین باشم.